اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هشتاد و هشت)

بارهای اضافی

در سوره العصر، خدای مهربان از خسران انسانها صحبت میکند. در آیه دوم این سوره مهم، خدا اختصاصا از زیان و خسران انسان صحبت می فرماید و نه زیان اجنه (إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ). زیرا در آخر عصرها، انسانها پندار شرّ و بد بر می گزینند و در نتیجه شیاطین به دنیای انسانها تعدی و حمله میکنند. اجنه پندار انسانها را متوجه میشوند و در صورتی که اکثریت انسانها به پندارهای بد رو آورند، آنان دچار خود حق پنداری شده و به دنیای انسانها حمله ور میشوند. ما این حمله را نمی بینیم ولی از آشوبهای مختلف اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، مذهبی که بوجود میاید؛ میتوان فهمید که در لایه بالایی اتفاقات عجیبی افتاده است. در قدیم، بعضی از شیاطین دیده میشدند و حتی بصورت جسمی به دنیای انسانها وارد میشدند و از آسمانهای دیگر استراق سمع میکردند، ولی در انتهای عصر قبلی، آنها محدود شدند و این امکانها و قدرتها از آنها گرفته شد. بزودی شیاطین بعضی قدرتهای دیگر را هم از دست خواهند داد.

حالا وقت آن رسیده است که حیله های شیطان رو شود و بعضی از مفاهیم که بین مردم به عنوان خوب تعریف شده اند، طبق آیات قرآن، باز تعریف شوند تا ماهیت واقعی ماجرا روشن شود.

در عربی از کلمه عصر، به معنای آخر دوره ها و یا آخر روزها استفاده میشود. زمان عصر تا زمان غروب زیاد فاصله ندارد. بنابراین ما در آخر دوره ها شرایطی شبیه (با شدت کمتر) نزدیکیهای قیامت و آخرین روزهای دنیا را تجربه خواهیم کرد؛

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)
إِن ٱلۡإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ که واقعا انسان دستخوش زیان است (٢)
إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (٣)

شیطان ملعون بعد از اغوا شدن، گفت که از روبرو، پشت سر، راست و چپ به انسان حمله میکند؛ یعنی از چهار جهت حمله میکند. جالب است که در میان این چهار جهت (أَيْدِيهِمْ – خَلْفِهِمْ – أَيْمَانِهِمْ – شَمَائِلِهِمْ)**، همگی به صورت جمع ذکر شده اند به جز پشت سر** (خَلْفِهِمْ)**. این نکته مفهوم پر معنایی دارد. یعنی بیشترین خطراتی که اجنه و شیاطین برای ما پیش می آورند، از روبرو و راست و چپ است. خطرات پشت سری، یک نوع حمله است که ما متوجه نیستیم و در غفلت دچارش میشویم؛ ولی خطرات**

روبرو و طرفین، خطراتی هستند که انسانها خودخواسته می پذیرند. خدای مهربان در این آیه مهم ، خطرات خودخواسته را خطرناکتر و بیشتر از خطرات ناخواسته معرفی میکند. کسی که خوابیده است را میتوان بیدار کرد ولی کسی که خود را به خواب زده است، را نمی توان بسادگی بیدار کرد. خطرات روبرویی ، خطراتی است که ما در جریان عادی زندگی با آن روبرو میشویم و خطرات چپ و راست مربوط به خطراتی است که از جبهه های گوناگون چپ و راستی به ما معرفی میشوند و اما خطراتی که در پشت سر ما هستند، خطراتی هستند که از آن آگاه نیستیم ولی تحت شرایطی ممکن است برای ما پیش آیند و ما را در کار انجام شده قرار دهند.

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾

آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت (۱۷)

در آیه دیگری، خدا از قرینهای آدمی صحبت میکند. منظور از قرینها دراین آیه، زوج ، جن همزاد و دوستان و نزدیکان هستند که با آنها روزانه سرو کار داریم. قرینهایی که چیزهایی را در روبرو و پشت سر آدمیان زیبا جلوه میدهند (وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ **) و بوسیله آن گمراه میشوند. در این آیه خدای مهربان در مورد زینت دادن و زیبا جلوه دادن، از کلمات روبرو و پشت سر (** فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ **) استفاده فرموده است. حملات چپ و راستی، ممکن است از بیرون به**

محیط انسانها تزریق شود. اما حملات روبرویی را خود انسانها آگاهانه به پیشوازش میروند.

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿۲۵﴾

و برای آنان دمسازانی گذاشتیم و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امتهایی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند بر ایشان واجب آمد چرا که آنها زیانکاران بودند (۲۵)

زمانی که آدمیان جوان هستند و تشنه معنویت و انواع فلسفه ها؛ بیشترین حمله ها از طرف راست و چپ شکل می گیرد (أَيْمَانِهِمْ – شَمَائِلِهِمْ). زیرا این جور حملات، مربوط به طرز افکار و فلسفه ها و ایدئولوژیهاست. به همین خاطر جوانان بیشتر از هر کسی جذب عرفانهای شرقی و غربی میشوند. این عرفانها در قدیم و جدید با نامهای گوساله پرستی ، تقدیس گاو، صوفی گری، عرفان حلقه، وحدت وجود، یوگا، عشق، فراماسونری، عرفان اشو، کابالا، مولوی، حافظ و هزاران عرفان دیگر معرفی شده اند. خدای مهربان برای جلوگیری از این جور حملات، دین را برای ما نازل کرده است تا جلو اینجور فلسفه های غلط را بگیرد. بیشتر مردم دین خدا را کافی نمی دانند و جذب این فلسفه ها و عرفانها میشوند. این فلسفه ها و عرفانها نیازهای کاذب و بار اضافی هستند و ربطی به زندگی رحمانی ندارند و حتی زندگی رحمانی را به خطر می اندازند.

اما خطراتی که از روبرو ما را تهدید میکنند، مربوط به خطراتی هستند که مردم در جریان زندگی آن را رعایت نمی کنند. مثلا نماز نمی گزارند، زکات نمی دهند، روزه نمی گیرند و ... در آخر دوره ها و عصرها، خطرات از هر چهار جنبه، بطرز شدیدی آدمیان را تهدید میکند.

اما خطراتی هستند که از پشت سر ما را تهدید میکنند ولی کسی تابحال به آن توجه نکرده است؛ با یک مثال توضیح داده میشود. معمولا در قمارخانه‌ها ، مسئولین قمارخانه تلاش میکنند که خلاء زمانی ایجاد کنند تا که مشتریان متوجه گذشت زمان نشوند و زمان بیشتری را در قمارخانه بگذرانند و پول بیشتری هزینه کنند. آنها مثلا ساعت‌های دیواری را برمی‌دارند و آهنگهای بخصوصی پخش میکنند و آنها تلاش می‌کنند تا ارتباط مشتریان را با دنیای بیرون تا حد ممکن قطع کنند. حتی پنجره‌های قمارخانه‌ها را می پوشانند تا مشتریان متوجه محیط بیرون از قمارخانه نشوند. کنترل صوتی تصویری و رنگ این محیط‌ها طوری صورت می‌گیرد که کسی دوست ندارد از آنجا بیرون رود. حتی موارد واقعی پیش آمده است که فرد مشغول قمار بوده است و در همان لحظه زنگ زده اند که بچه ات بیمار و در بیمارستان است؛ اما او بی خیال، به قمار ادامه داده است. خطرات حملات پشت سری را هر کسی متوجه نمیشود. شرایط محیطی قمارخانه ، مثل غل و زنجیر، افراد را می بندد.

در زمان ما، قمارخانه های به سبک سنتی نمانده است ولی پاساژها و مراکز خرید، و حتی سایتهای آنلاین خرید، طوری ساخته و شیک میشوند که همچنین شرایطی را برای مشتریان پیش می آورند. در این پاساژها آهنگ‌های خاصی را پخش می‌کنند تا

که بازدید کنندگان را جذب کنند. وقتی مثلا در تابستان وارد بعضی پاساژها و مراکز خرید میشوید، هوای محیط داخل آن بسیار خنک است ، طوری که بازدید کننده دوست ندارد از آنجا بیرون رود. اما این هوای خنک با قیمت گزافی بدست آمده است. کولرهای زیادی روشن هستند و این کولرها قسمت موتورشان بیرون از مرکز خرید هستند و گرمای فراوانی را به بیرون پرت میکنند. بطوریکه محوطه مرکز خرید بسیار گرمتر از هوای معمولی و هوای داخل آن است؛ و اما هوای داخل مرکز خرید، بسیار خنک در حد قطب شمال. به این طریق بازدیدکننده از این مراکز بدون این که بداند، ناخواسته تحت تاثیر شرایط خاص و غیرمعمولی قرار می گیرد و جذب شرایطی میشود که هزینه زندگیش را بالا میبرد و بار اضافی برایش درست میکند. این جور تاثیرات و انحرافات از پشت سر صورت گرفته است.

این یک واقعیت است که تغییرات تصنعی محیطی بر رفتار آدمیان تاثیر شگرفی دارد و اما برخلاف انسانها؛ این تغییرات چندان بر حیوانات تاثیرگزار نیست و در عوض تغییرات محیط طبیعی بر حیوانات تاثیرگذار است. شما اگر یک پرنده را ببرید داخل چنین محیطهای تصنعی، تحت تاثیر قرار نمی گیرد و حتی ممکن است اذیت شود. طی آزمایشهای متعدد ثابت شده است که کسوف و خسوف بر رفتار حیوانات تاثیر می گذارد. پرندگان در حین کسوف و خسوف آواز خود را متوقف میکنند و حتی ملخ‌ها و زنبورها زودتر از موعد مقرر به لانه‌هایشان برمی‌گردند. قبل از زلزله، مورچه ها نظمشان به هم میخورد. مارها از لانه هایشان بیرون میروند و سگها و گربه ها رفتارهای عجیبی از خود نشان میدهند. حیوانات خیلی جذب نمایشات تصنعی

نمیشوند، اما در مقابل نشانه های طبیعی عکس العمل مناسب نشان میدهند. خدای مهربان، انسانها را هم دعوت میکند که به نشانه های طبیعی و آیات طبیعی او توجه کنند و جذب نمایشات شیطانی و تصنعی نشوند. نمایشات تصنعی، بار اضافی برای ما بوجود میاورند، اما آیات رحمانی و طبیعی ما را با نظام رحمانی ربط میدهند و خوبخود در چرخه نیک قرار می گیریم و بار انسان خالی میشود. اصلا این نمایشات تصنعی برای پوشاندن و بی اهمیت کردن نظام رحمانی است. نظام رحمانی بارهای اضافی را خالی میکند و نمایشات تصنعی بیشترش میکند.

انسانها مراکز خرید زیادی ساخته اند و کلکهای زیادی در آن بکار برده اند و از پشت سر، آدمیان را هیپنوتیزم میکنند. آنها چیدمان های اینچنینی را وارد زندگی خویش کرده اند و با انواع کلک سعی در فروش محصولات میکنند و البته اسم آن را بازاریابی گذاشته اند. اسراف، افراط، تفریط و آهنگهای آلفایی در محیط زندگی انسانها زیاد شده است. یا گاهی افراد در داخل خانه، رنگ‌ها و چیدمان و دکوراسیون را طوری می چینند و خیال میکنند که انرژی داخل خانه خود را تقویت کرده اند. یکی از مراکز روانشناسی در اینترنت نوشته بود که:

اگر شما دچار مشكلاتي مثل فشار بيش از حد كاري شديد شايد بتوان علت آن را به وجود ميز مرمري ناهارخوري شما كه در اتاق ناهارخوري خود داريد ربط داد. پس هر چه سريع‌تر ميز مذكور را به نوع چوبي آن تغيير دهيد تا از شدت فشارهاي حاكم بر شما كاسته شود.

حتی یک فلسفه دنیوی هم با نام فنگ شویی برای بهبود این چیدمانها ساخته اند. حالا من کاری به نوع میز ندارم. ولی این نوع طرز تفکر نشان از یک فلسفه کاملا غلط در

زندگی دارد. هر چند من معتقدم که پاکیزگی محیط زندگی، امر پسندیده ای است ولی این امر بخاطر پاکیزه بودنش است و نه خاصیت روحی روانی انواع میزها. این افراد با این بهانه واهی، هر ساله توصیه میکنند که مبل و چیدمان خانه را عوض کنید و به خیال خود، انرژی وارد خانه ها میکنند. این رفتار فقط در ظاهرش زیباست و گرنه اسراف بزرگی پشت آن خوابیده است. تفکرات و فلسفه های شیطانی، از پشت سر هم حمله میکنند. هر ساله چیدمان خانه را عوض کردن، ظاهرا یک تنوع روانی است ولی به چه قیمتی! مردم به عمق جهالت این نوع فلسفه ها توجه نمی کنند. اسراف و زیاده روی پشت این فلسفه ها خوابیده است و اگر کسی خوب توجه کند، این همان چیزی است که ابلیس گفت از پشت به آنها حمله میکنم. این نوع کردارها ، کردار نیکی نیست، زیرا در جهت پیشبرد اهداف شیطان است.

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (٢٧)

زمانی بود که پدر بزرگها و مادر بزرگها وقتی میوه می خریدند، میوه های نرم تر و یا میوه های دارای خال سیاه را جدا میکردند و خال سیاه آن را می گرفتند و خودشان بقیه میوه را میخوردند و میوه های سالم و دست نخورده را می گذاشتند برای بچه هایشان. اما اکنون از این نوع رفتارها آنقدر کم پیش میاید که آدمی در این عصر،

دلش برای این نوع رفتارها تنگ میشود. آنها با این کردارهای کوچک و زیبا، نمی گذاشتند چرخه نیکشان بخوابد. این رفتار ساده، تاثیر مثبتی بر آدمی دارد و این را کردار نیک میگویند. بچه های نسل جدید دیگر خودشان را از این رفتارهای ساده که بار آدمی را کم میکند ، محروم کرده اند. انسان‌ها برای ماندن در چرخه نیک به کردار نیک نیاز دارند، هر چند کردار نیک کوچک. خدای مهربان به ما بچه میدهد و در حین بچه بزرگ کردن هم، فرصت‌هایی برای کسب کردار نیک برای ما قرار داده است. انسانها باید از هر فرصتی استفاده کنند و بارهای اضافی از دوش خود و همدیگر بردارند و به این طریق کردار نیک انجام دهند. اصلا یکی از جنبه های کردار نیک همین است که کردار نیک، بارهای اضافی روانی را از دوش آدمیان بر میدارد. کردار نیک (حتی کوچک) نمی گذارد که چرخه نیک متوقف شود و اتوماتیک بار اضافی برای شما پیش نخواهد آمد.

انسانها برای خود بار اضافی زیادی درست میکنند. کسب انرژی از طریق عوض کردن چیدمان خانه، یکی از این بارهاست. عزت نفس اینجوری بدست نمیاید. این حتی روش عوض کردن روحیه هم نیست و فقط شیطان وارد زندگیشان میشود و بار اضافی برایشان تولید میشود. خدای مهربان روشهای بسیار کاراتر و ساده تری برای این کار قرار داده است. آدمیان باید به آن روشی رو آورند که خدا مقدر و نصیب کرده است. اگر در این مسیر قرار بگیریم، اتفاقات درست خودش پیش خواهد آمد.

بعضی ازواج برای همدیگر بار اضافی ایجاد میکنند. پرسه زدن بی هدف در فضای مجازی و ویوی زندگی سلبریتی ها و ثروتمندان، روان آدمی را پر از نیاز کاذب میکند.

گاهی یکی از زوجین در فضای مجازی پرسه میزند و بعد از چند ساعت وبگردی بی هدف و ویوی زندگی سلبریتی ها و پولدارها و بیکارها، روان خود را پُر از نیاز کاذب میکند و برای خود بار اضافی روانی ایجاد میکند. در این حالت، بار اضافی ایجاد شده، به روان فرد فشار میاورد و او از قرین و زوجش انتظار دارد که بار اضافی را برایش بردارد. آدمیان بخاطر حفظ نکردن چشم و گوش و زبانشان، بار روانی زیادی در خود جمع میکنند و خود را پُر میکنند. روان پر باید تخلیه شود. اگر ما غذای زیاد بخوریم ، تا چندین ساعت بعد نمیتوانیم چیز دیگری بخوریم. اما دستگاه طبیعی هاضمه ما، بدون دخالت ما، غذا را هضم و دفع میکند و به این طریق از فشار و بار اضافی غذا نجات پیدا میکنیم. اما در مورد بارهای اضافی که انسان وارد دستگاه روان خود میکند، قضیه متفاوت است. کسانی که به علت حفظ نکردن چشمها و دیدگان و ابصار و زبان و سایر اینپوتها، روان خویش را پر میکنند و بعد آنها به اشتباه فکر میکنند که این نیازهای کاذب باید برآورده شوند و بیشتر هزینه های زندگی مربوط به این نیازهای کاذب است. در حالی که نیازهای کاذب اصلا نباید برآورده شوند و بلکه باید نادیده گرفته شوند. نادیده گرفتن نیازهای کاذب، بوسیله پندار نیک و تقوا و صبر امکان پذیر است و اتوماتیک آن را از روان ما بیرون میریزد. نیاز جنسی اگر کنترل نشود، انسان را تابع خود کند. در قرآن خیلی روی این مورد تاکید شده است که افراد نباید تابع شهوات باشند. اگر چه خدای حکیم، برآورده کردن نیاز جنسی را برای ازواج حلال کرده است و این ارتباط حلال هم برای این است تا که زوجین تابع شهوات نشوند. زیرا شهوت جنسی ، مَیلی است برمبنای خیال پردازی و هر چه بیشتر روی

آن خیالپردازی شود، غیر قابل کنترل تر و بزرگتر میشود. مثل یک گلوله برف است که از بالای تپه غلط داده میشود. ابتدا حجمش کم است و هر چه بیشتر غلط بخورد، حجمش بیشتر میشود و غیر قابل کنترل تر میشود. خدا میخواهد که افراد تابع شهوات نشوند. بنابراین خدا ارضای شهوات بین زوجین را منع نفرموده است، ولی تبعیت از شهوات را منع کرده است. به همین خاطر است که اگر یکی از زوجین بار اضافی برای خود ایجاد کند، از همان اول گلوله برف بزرگی انتخاب کرده است و عملا از شهوات تبعیت کرده است و این انحراف بزرگی است.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾

خدا می خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته ها[ی نفسانی] پیروی می کنند می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید (۲۷)

اگر یکی از زوجین ، از شهوات تبعیت کند، عملا توسط زوج دیگر برآورده نشدنی است و غیر قابل کنترل است، زیرا تبعیت از شهوات، یک مَیل بزرگ در افراد ایجاد میکند که قابل حل نیست. در حین نوشتن این قسمت از جادوی شیاطین، روی این قضیه خیلی فکر کردم و خیلی تحقیق کردم که آیا از نظر قرآن صحیح است که زوجین براساس تصاویر و فیلمهای نامناسب اینترنتی و ماهواره ای، بارهای اضافی و هواهای نفسانی برای هم ایجاد کنند. بعد از مطالعه قرآن به این نتیجه رسیدم که تصاویر نامناسب حتی بین زوجین، اشتباه محض است. زیرا کسی که براساس این تصاویر تحریک شود، عملا یک تصویر را به عنوان زوج خویش بر می گزیند و علاوه

بر آن ، این کار، مهر تائیدی است بر سیستم و نظام شیطانی. این یک واقعیت قرآنی است که کسی نمیتواند بار و مَیل دیگری را برعهده گیرد. واقعیت این است که لذات کسب شده از این طرق نادرست، ماهیت جنسی ندارند و بلکه شهوتی است که در آن شیاطین و اجنه دخالت دارند؛ بنابراین شرکت در این نمایشها، باعث تسلط اجنه و شیاطین بر افراد میشود و نیاز جنسی منحرف میشود. همانند قوم لوط، که نیاز جنسی را منحرف کردند. کسب لذت از یک تصویر و یا یک کلیپ و فیلم، نوعی منحرف کردن میل جنسی است. زیاده روی و بزرگ کردن شهوات، کار را به جاهای خطرناک میرساند. بهترین دلیل برای عدم تبعیت از شهوات، این است که افرادی که از شهوات تبعیت میکنند، نماز بجا نمی آورند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿۵۹﴾

آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

حالا متوجه مفهوم آیه (أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى **) میشویم؛ کسی بار دیگری را برعهده نمی گیرد. نه بخاطر اینکه نخواهد؛ بلکه نمی تواند بار انحرافی دیگران را بردارد. لذت بردن از یک تصویر، ماهیت جنسی ندارد و بلکه ماهیت جنّی دارد و این یک بار انحرافی است و حتی ماهیت آن نیاز جنسی نیست تا برآورده شود. این نیاز کاذب و منحرف شده را همانی فقط میتواند برآورده کند که بوجود آورده است (جن مسلط**

بر فرد) و کلیدش دست اوست. اما این نیازهای کاذب اصلا نباید برآورده شوند، تا برده فکری اجنه نشویم.

کسانی که از تصاویر و فیلمهای نامناسب، لذت می برند، در واقع ماهیت نیاز جنسی را منحرف کرده اند و آنها دارند با یک جن لذت می برند و جنی را به عنوان زوج برگزیده اند. افراد بار ایجاد شده توسط یک جنّ را به عنوان نیاز جنسی تلقی کرده و منحرف میشوند. این افراد از آن به بعد روشهای مختلف دیگری را هم میتوانند پیدا کنند که همان حس را به آنها میدهد، زیرا در همه این روشها (بجز ازدواج) ، جن شریک است و حسها شبیه همند. همجنسگرائی، خود جنسگرائی، خودارضائی، لذت بردن از طریق تصاویر و فیلمها همگی حسهای مشترکی به افراد میدهند و بنابراین افراد خود را بین انتخاب این روشها، مختار می بینند. مطالعه آماری نشان داده است که گردانندگان سایتهای مستهجن، بعد از مدتی، همجنس گرا میشوند. اما حس نیاز جنسی در ازدواج کاملا با روشهای بالا فرق دارد.

افراد در ازدواج به همدیگر تعهد میدهند که نسبت به هم صادق باشند و لذات جنسی را منحرف نکنند. کسانی که از یک تصویر، لذت جنسی میبرند، در واقع وارد یک نوع خیالپردازی شده اند و در آنحالت، باید در خیالات خود، هم زوج مقابل خود را تصور و خیالپردازی کنند و به این طریق افراد، همزمان هم نقش مونث دارند و هم نقش مذکر. این همان حالت قوم لوط است ولی به سبک جدیدش.

خدا می فرماید که در روز قیامت، کسی نمیتواند بار دیگری را بر عهده گیرد (أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى **). این قاعده در این دنیا هم تا حدی صادق است. زیرا وزر در آیه به**

معنای بار منحرف شده است. باری که لازم نیست و اضافی و سربار است. ماشینی که بنزینی است، فقط بنزین مصرف میکند و ایستادن این ماشین در صف گازوئیل بی فایده و وقت تلف کردن است و حتی اگر این ماشین گازوئیل تویش بریزید، ممکن است کلا خراب شود. خدا ما را خلق کرده است ومیداند که به چه نوع لذتی و چطوری نیاز داریم. بنابراین زن و شوهر در این دنیای فانی، تا حدی میتوانند بار اضافی همدیگر را بردارند. بیشتر سوء تفاهم ها میان زن و شوهر، در این حالات پیش میاید.

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ﴿٣٨﴾ که هیچ بردارنده ای بار دیگری را بر نمی دارد (٣٨)

یکی از زوجین با وبگردی های بی هدف و دیدن کلیپها و فیلمهای مختلف، نیازهای کاذب از انواع مختلف برای خود ایجاد میکند و بارهای اضافی روانی در او بوجود میاید. حالا او از زوجش انتظار دارد که نیاز(های) کاذب او را برآورده کند. زوج او از چگونگی نیازهای او و درهم تنیدگی آنها خبر ندارد و حتی ممکن است نداند که چیست و بنابراین قادر به برداشتن بار اضافی او نیست و در نتیجه بین آنان فاصله می افتد. در واقع او به زوجش می گوید که تو با تصویر ذهنی من که ساخته ام نمی خوانید، پس تفاهم نداریم. انسانها حتی نباید برای دیگران تصویر بسازند و نباید باعث گمراهی آنان شوند. جادویی که بین زوجین فاصله می اندازد، همین است. اجنه و شیاطین فلسفه نیازهای جنسی را تغییر میدهند و بین زن و مرد فاصله زیادی می

اندازند. آنان نیازهای خدادادی را منحرف میکنند و آن را به چیزی تبدیل میکنند که خودشان سوار آنند و این همان جادوست.

بارها و نیازهای کاذب، از یک خیالپردازی سرچشمه می گیرند و به اندازه تعداد انسانها و جنها، حالات و نیازهای کاذب وجود دارد؛ بنابراین عملا، در ۹۹ درصد موارد، نمیتوان نیازها و بارهای کاذب را ارضا کرد و بر روی آنها توافق کرد. این همان جادویی است که بین زوجین تفرقه می افکند. خدای مهربان، نمونه زوجیت صحیح را بیان فرموده است.

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ

وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ

وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ

وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿۳۵﴾

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است (۳۵)

به نظر شما برای چنین ازواجی شایسته است که بوسیله تصاویر ساختگی و نمایشات شیطانی، از هم لذت ببرند؟ کسانی که این کار را بکنند، فقط یک تصویر و یا یک استایل را به عنوان همسر خویش برگزیده اند و این عدم صداقت و پندار منحرف را نشان میدهد. آدمیان باید نسبت به زوج خویش هم از پندار نیک بهره برند.

اگر توجه کرده باشید خیلی از سلبریتی ها بعد از مدتی قادر به ادامه زندگی با همدیگر نیستند، زیرا بار سنگینی را برای هم ایجاد میکنند و از پس هم بر نمیایند. حتی سلبریتی هایی که خودشان در فضای مجازی تولید کننده نیاز و بار هستند، نمی توانند بارها و نیازهای شریک زندگیشان را برآورده کنند و کارشان به اختلاف و جدایی می کشد؛ همین نکته هزار معنا دارد. اما قطعا افرادی که از اینها طریقه زندگی می آموزند و نیازهای کاذب اینها را تقلید میکنند، بیشتر در مشکلات فرو می روند. خدا بین زوجین، مودت و رحمت قرار داد تا که بار همدیگر را کم کنند و یکی از معانی مودت و رحمت این است که ازواج برای هم بار اضافی ایجاد نکنند و برای

همدیگر، بار خارج از تحمل و توان دیگری ایجاد نکنند و به هم دیگر رحم کنند. حتی خدا که خالق ماست، خارج از وسع انسان؛ از انسان انتظار ندارد (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا **).**

در خیلی از مراسمها و مهمانیها و فاتحه خوانی ها، مردم با چشم و هم چشمی و عدم پوشاندن ابصارشان، بار برای خود درست میکنند و روان خود را پُر میکنند. اصلا وقتی خدا می فرماید که دیدگان خود را بپوشانید و هر چیزی را نگاه نکنید، منظورش این است که نیازهای کاذب برای خود درست نکنید و بار اضافی برای خود و زوج خویش و خانواده خود و حتی اجتماع خود درست نکنید.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِن أَبْصَارِهِن وَيَحْفَظْن فُرُوجَهُن

قُلْ لِلْمُؤْمِنين يَغُضُّوا مِن أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

یک فرمان ساده قرآنی مانند دستور آیه بالایی "بینش و چشم هایت را رام کن" **منجر به رفتار متواضعانه ای می شود که بار روانی برای ما ایجاد نمی کند و روان انسانها پُر نمیشود. وقتی بدانید که همسرت ، نمی تواند نیاز کاذب شما را برآورده کند؛ بنابراین بهتر است که دنبال این نیاز کاذب نروید و نگاهش هم نکنید؛ زیرا هم به سود خودت است و هم مودت و رحمت را در مورد همسرت رعایت کرده اید. در صورت ایجاد**

نیاز کاذب در روان خویش؛ ممکن است که زوج شما برای تهیه آن، به دردسر بیفتد و وارد حیطه گناه شود و یا مجبور شود اعمال جراحی زیبایی انجام دهد.

شخصی که انواع استایلهای زناشویی و یا چیدمانهای خانه ها را در اینترنت ویو میکند و در این حالت بار روانی برای خود ایجاد میکند؛ در این حالت فرد چندین راه برای تخلیه این بار اضافی دارد. یکی اینکه از تخیل خود استفاده کند و در رویای خود، برای خود چنین همسر و زندگیی بسازد. او در تخیل دستش باز است و او بهترین خانه ها و زیباترین همسران را در تخیل خویش تصور میکند و قطعا بعد از مدتی، دیگر روابط ساده با همسرش، جوابگو نیست و این یک واقعیت است که روابط تخیلی ، هیچ جایگزینی در دنیای واقعی ندارند. هر چند که افراد بهترینها را در خیال خود برای خود میسازند (به کمک اجنه)؛ اما ارضا کننده نیست و مثل پشمک است و گرسنگی را رفع نمی کند و هیچ نیازی را برآورده نمی کند. بنابراین افراد مجبورند این تخیلات را هر روز تکرار کنند و معتاد این نوع خیالپردازی میشوند.

اشتباه این روش این است که افراد فکر میکنند به نیاز خود رسیده اند. در حالی که اینها اصلا نیاز نیستند و نوعی زیاده خواهی، ناشکری و تکبر در آن نهفته است. این نیاز نیست و بلکه یک میل و هوی و هوس بزرگ و خانمان برانداز است. این افراد از شهوات تبعیت میکنند و میل زیادی به شهوات و مادیات دارند و اینها ربطی به نیاز ندارد و بلکه بقول قرآن یک تمایل و هوای بزرگ و مهار نشدنی (مَيْلًا عَظِيمًا **) است.**

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾

خدا می خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته ها[ی نفسانی] پیروی می کنند می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید (۲۷)

خدای مهربان، در آیه بعدی این آیه، نکته فوق العاده ای می فرماید که ای انسانها، خدا شما را از این امیال نفسانی و مادی برحذر میدارد زیرا میخواهد که بار شما را کم کند (يُخَفِّفَ عَنْكُمْ) و در ادامه می فرماید که انسان ضعیف خلق شده است و نمیتواند این بارهای اضافی را تحمل کند.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿۲۸﴾

خدا می خواهد تا بارتان را سبك گرداند و [می داند كه] انسان ناتوان آفریده شده است (۲۸)

گاهی بعضی مشکلات انچنینی در میان خانواده ها پیش میاید که افراد به این نتیجه میرسند که بارهای تولید شده از طرف زوج و اطرافیان عمدی است؛ اما بکاربردن عمد در این جا اشتباه است؛ زیرا اطرافیان، رفع این بارها را حق مسلم خود میدانند و در نتیجه عمدی نیست و همچنین سهوی هم نیست زیرا افراد به دلخواه خویش وارد بازی خطرناکی شده اند و عاقبتش جالب نیست. تفرقه افتادن بین ازواج و حتی افراد جامعه ، از عواقب خطرناک آن است. زیرا ترکش های این بارهای اضافی، نوعی حمله به حساب میاید. این حملات از جانب شیاطین صورت گرفته است. مثلا خانواده ها بر اثر گسترش و پخش نیازهای کاذب بین افراد اجتماع، فشار زیادی اعم از مهریه، جهیزیه، تالار ووو برای هم بوجود می آورند و این بارها و نیازهای کاذب، جامعه را

متفرق میکند. در جامعه شیطانی، نیازهای کاذب زیادی وجود دارد و بارهای زیادی روی شانه های افراد هست. ازدواجی که خدا از بدو خلقت به تمام نفوس وعده داده است، بدون بار اضافی است. اما در جامعه غیر رحمانی، به مشکلترین کارها تبدیل میشود. گاهی بچه ها در این زمینه ها به والدین خویش فشار زیادی می آورند و حرمت آنان را نگه نمی دارند.

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿۲۳﴾

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی (۲۳)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۲۴﴾

و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند (۲۴)

بچه ها بیشتر در فضای مجازی هستند و با نگه نداشتن چشمان و دیدگان و بینش خود، انواع نیازهای کاذب برای خود ایجاد میکنند و از پدر و مادرها انتظار دارند که شرایط برآورده شدن این نیازها را برای آنان مهیا سازند. والدین هم توانایی تهیه این شرایط را ندارند و در نتیجه، بچه ها احترام والدین شان را نگه نمیدارند و خدا در این مورد به انسانها هشدار میدهد که به والدین خویش حتی اُف هم نپرانید.

نیازهای کاذب زیادند و غیر قابل شمارش. اما بهتر است که نگاهی به ماهیت واقعی یکی از مهمترین نیازهای کاذب این روزها بیندازیم. افراد بینش و چشمان خود را در فضای مجازی رام نمی کنند و بعد از مدتی چرخش در میان این استایلها، احساس میکنند که عاشق شده اند. اما اگر بیشتر دقت شود، متوجه می شویم که آنها وارد یک خیالپردازی شده اند و در واقع آنان عاشق یک نفر بخصوص نشده اند، بلکه عاشق یک گروه و استایل شده اند. زیرا هرکسی این استایل را داشته باشد، دلشان را می بَرَد. این همان خیالپردازی است. همانطور که قبلا ثابت شد، عشق یک مفهوم شیطانی است و کسانی که ادعای عشق دارند، عاشق یک فرد مشخص نیستند؛ بلکه عاشق یک گروه و استایل شده اند. حالا این گروه و استایل ممکن است که میلیونها نفر باشند؛ بنابراین طبق عشقی که آنها از آن صحبت میکنند، آنها باید هزاران دل داشته باشند و بنابراین در ادعای خود صادق نیستند. خدای مهربان وقتی انسانها را آفرید، فرمود که از نوع خودتان (مِنْ أَنْفُسِكُمْ) **همسری برای شما آفرید تا بدان آرام گیرید.**

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است (٢١)

همانطور که می بینید، آن چیزی که خدا از بدو خلقت به انسانها وعده داد است ، خلق همسرانی از نوع خود انسانهاست که بوسیله آن آرام گیرند. اما اکنون چیزی که مردم میخواهند، همسرانی از نوع خودشان نیست؛ بلکه آنها یک گروه و یا استایل را دوست دارند و این گروه و استایل ممکن است که یک میلیون عضو داشته باشد. بنابراین کسی که عاشق یک استایل است، در واقع عاشق یک میلیون نفر است! بنابراین اکنون آنچه که از آن به عنوان عشق و دوست داشتن یاد میشود، حتی حیوانات هم اینچنین نمی کنند. اگر یک تصویر دیگر از همان استایل که او خوشش آمده است، به او نشان دهید، او باز هم خوشش میاید و این دل، دل که نیست؛ بلکه به اندازه یک ترمینال شلوغ است. خدای مهربان وقتی از مودت و رحمت صحبت می فرماید؛ از خلق همسرانی از جنس انسان صحبت فرموده است (خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا**) که خدا خلق فرموده است. استایلهای متفاوتی که افراد عاشق آن میشوند؛ ساخته دست انسانهاست و افرادی که مدعی عاشقی این استایلها هستند، در واقع عاشق تمام کسانی هستند که این استایل را دارند. به این ترتیب، فلسفه عشق حتی ساده ترین تعهدات اخلاقی را هم رعایت نمی کند. قانون دوم تورات می فرماید که :** ای انسان تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان یا بر روی زمین یا در آب است، نساز و آنها را پرستش نکن.

بت پرستی همیشه، به صورت ساختن تمثال و مجسمه نیست؛ بلکه بیشتر مواقع بصورت تحریف آفریده های خداست. خدا همسرانی از جنس خود ما برای ما آفریده است (خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا**)؛ اما مردم پوستین و تصاویری از آنها را به عنوان زوج برای خود انتخاب میکنند و سالها با این نوع تصویر و پوستین زندگی میکنند. تصاویر**

و پوستین بسیار کلی است و هر تصویری در عمل، میلیونها مصداق دارد و بنابراین افراد قاعده خدا را رعایت نکرده اند و برخلاف دستور خدا، تصویری را جایگزین مخلوق خدا میکنند. خدا ازواجی را از جنس خود انسان برای او آفریده است و مودت و رحمت را بین این دو نوع انسان قرار داده است. افراد در عشق؛ عاشق یک استایل و تصویر میشوند و آنها به این طریق عاشق جن همزاد خود شده اند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعا نشانه هایی است (٢١)

اصلا فرق عشق با مودت و رحمت همین است. عشق بین دو استایل و دو گروه است، اما مودت و رحمت بین دو انسان و یا دو نفس است (خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ**). به همین خاطر، حتی حیوانات هم عشق را انتخاب نکردند و انسان در این زمینه حتی از حیوانات هم خیلی گمراه تر است.**

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾

و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چرا که] دلهایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند (۱۷۹)

خدای مهربان امر فرموده است که با زنان و مردان زناکار و یا مشرک ازدواج نکنید. بنابراین زانی و مشرک، خط قرمز ازدواجهاست. زانی و مشرک به درد ازدواج نمیخورند، زیرا روان این افراد آلوده است. یک نوع آلودگی که مسری است و سریعا به زوج هم منتقل میشود. همین آیه مشخص میکند که هدف از ازدواج، فقط مسائل جنسی نیست، بلکه در ازدواج؛ دو ایده، دو حریم با هم مرتبط میشوند و اگر یکی آلوده باشد، به دیگری هم سرایت میکند. وقتی از این نوع آلودگی حرف میزنیم، منظور آلودگی پندار است. این که در آیه فرموده است (وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ) **یعنی این دستور تعیین کننده مرز معنوی است؛ مرز معنوی با اجنه و انسانها. کسی که به ازدواج با زانی و یا مشرک تمایل دارد، و در عین حال خود را مومن میداند؛ در واقع مومن نیست و پندار نیک ندارد و فقط خیال میکند مومن است؛ زیرا مرز خود را با شیاطین و انسانهای زانی و مشرک مشخص نکرده است. به همین خاطر خدا می فرماید که : مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد. این قسمت از آیه فقط یک دستور نیست؛ بلکه یک جریان جاری هم هست. کسی که با یک زانی ازدواج میکند، در واقع نشان میدهد که مرز زنا و یا شرک برایش مهم نیست و این در پندار اوست.**

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾

مرد زناكار جز زن زناكار يا مشرك را به همسرى نگيرد و زن زناكار جز مرد زناكار يا مشرك را به زنى نگيرد و بر مؤمنان اين [امر] حرام گرديده است (۳)

بنابراین خدا در آیه میخواهد بفرماید که در مورد زنا و شرک بی تفاوت نباشید و تصمیم نهایی ازدواج را به آن موکول کنید. کسی که در این مورد بی تفاوت باشد، در واقع ایمان خود (پندار نیک) را زیر سوال می برد. وقتی خدای حکیم کلمه حرام را در قرآن استفاده می فرماید، نشان از آن دارد که میخواهد مرزهایی را مشخص کند و به هیچ عنوان نباید از آن مرز عبور کرد. حالا این مرز، ممکن است یک مرز پنداری و معنوی (پندار نیک) باشد و یا یک مرز عملی (کردار نیک و گفتار نیک). با مرز معنوی و پنداری، تکلیف خود را در مقابل اجنه و شیاطین مشخص می کنیم و با مرز عملکردی، مرز خود را با سایر انسانها مشخص می کنیم.

بنابراین رعایت سه دستور (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک) برای مرزبندی بین حق و باطل است. هر کسی باید جبهه خودش را مشخص کند. خدا در آیه دیگری از قرآن می فرماید که ای مومنان؛ مادر، خواهر، دختر، عمه ، خاله، و ... بر شما حرامند. وقتی کلمه حرام بکار میبرد یعنی مرزبندی میخواهد بکند. در اصل کلمه حرام هم از حریم آمده است و به معنای یک نوع مرزبندی است. وقتی خدا مرزبندی میکند، یعنی در هر سه آیتم (پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک) باید رعایت شود.

یعنی حتی نباید خیالش هم کرد. وقتی میفرماید ربا حرام است، یعنی حتی نباید در خیال و پندار خویش با ربا و روشهای ربا خود را ثروتمند کرد.

واقعا آدمیان ناشکر و ناسپاسند، زیرا به آنچه که خدا آفریده است، رضایت نمی دهند و دنبال یک سری استایل می گردند و عاشق این استایلها میشوند و این واقعا پندار خیلی زشت و ناپسندی است. آنها به ازواجی که خدا آفریده است، راضی نیستند. خدا می فرماید که تعداد کمی از بندگان شکرگزار و راضی هستند (وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ). **وقتی خدا می فرماید تعداد کمی شکرگزار هستند، یعنی شکرگزارها آنقدر کمند که برای ما انسانها اصلا مشخص نیستند. زیرا خدا ، خداست و چیزهایی می بیند که ما نمی بینیم و او تمام موجودات و انسانها را می بیند. از نظر خدای علیم بصیر، تعداد کمی از بندگان سپاسگزارند؛ وقتی از نظر خدای علیم بصیر، تعداد شاکرین کم است یعنی این تعداد کم اصلا برای ما انسانها مشخص نیستند.**